

## نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

### The mediating role of children ego strength on the relationship between family functioning and children identity styles

M.A. Besharat, Ph.D.

R. Shafiei, MSc.

A. Rahiminezhad, Ph.D.

دکتر محمدعلی بشارت \*

رزا شفییعی \*\*

دکتر عباس رحیمی‌نژاد \*\*\*

#### چکیده

سبک هویت بر اساس متغیرها و تجربه‌های متعدد شکل می‌گیرند. خانواده در شکل‌گیری سبک هویت فرزندان نقش تعیین‌کننده دارد. خانواده چگونه و با چه مکانیسم‌هایی سبک هویت فرزندان را تعیین می‌کند؟ این پژوهش دو هدف داشت: تعیین رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان؛ مطالعه نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان. تعداد ۲۳۷ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۲۳ پسر، ۱۱۴ دختر) و مادران آنها در این پژوهش شرکت کردند. از مادران خواسته شد ابزار سنجش خانواده (FAD؛ اپستین، بیشاپ و لوین، ۱۹۷۸) را تکمیل کنند. دانش‌آموزان نیز مقیاس سبک هویت

---

\*. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول)

\*\*. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران

\*\*\*. دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه تهران

(ISI-4؛ برزونسکی، ۱۹۸۹) و مقیاس استحکام من (ESS؛ بشارت، ۱۳۸۶، ۱۳۹۴) را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که کنش‌وری خانواده با استحکام من همبستگی مثبت معنادار دارد. استحکام من فرزندان با سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی آنان همبستگی مثبت و با سبک هویت اجتنابی/سردرگم رابطه منفی داشت. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که استحکام من در رابطه بین کنش‌وری خانواده و سبک هویت اطلاعاتی نقش میانجی‌گرانه دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین کنش‌وری خانواده و سبک هویت من فرزندان یک رابطه ساده نیست. این رابطه تا حدودی از طریق نقش میانجی‌گری بعضی از ویژگی‌های شخصیتی، مثل استحکام من، شکل می‌گیرد.

**واژه-کلیدها:** کنش‌وری خانواده، استحکام من، سبک هویت.

## Abstract

Identity styles are developed based on a number of variables and experiences. Family has an important role on the development of children identity. How and based on what kind of mechanisms family shapes the children identity styles? The present study had two purposes: 1) examining the relationship between family functioning and children identity styles and 2) examining the mediating role of children ego strength on the relationship between family functioning and children identity styles. Two hundred and thirty seven students (123 boys, 114 girls) and their mothers participated in this study. All students were asked to complete the Identity Styles Inventory (ISI) and Ego Strength Scale (ESS). All mothers completed the Family Assessment Device (FAD). The results revealed that family functioning had a significant positive association with ego strength. Children ego strength showed a significant positive association with informational and normative identity styles ( $p < 0.01$ ) as well as a significant negative association with diffuse/avoidant identity style ( $p < 0.01$ ). The results of path analysis showed that ego strength had a mediating role on the relationships between family functioning and informational identity style. According to the results of the present study, it is concluded that the relationship between family functioning and children identity styles is not a simple one. This

relationship is somehow influenced by the mediating role of personality characteristics such as ego strength.

**Keywords:** family functioning, ego strength, identity style.

**Contact information:** besharat@ut.ac.ir

\*\*\*

## مقدمه

هویت من<sup>۱</sup> مجموعه‌ای از برداشت‌ها و باورهای مربوط به خود است که در بافتار اجتماع شکل می‌گیرد، تفسیری برای تجربه‌های زندگی فراهم می‌آورد، راهنمایی برای انتخاب‌های زندگی است و به احساس تداوم خود<sup>۲</sup> کمک می‌کند (اریکسون، ۱۹۶۸؛ دانکل، ۲۰۰۵). هویت من همچنین به ویژگی‌های اکتشاف<sup>۳</sup>، تعهد<sup>۴</sup>، باورهای شخصی و باورهای ایدئولوژیک شکل می‌دهد (دانکل، میتس و هاربیگ، ۲۰۱۱؛ مارشیا، ۱۹۶۶). مفهوم‌سازی اریکسون (۱۹۶۸) از فرایند شکل‌گیری هویت<sup>۵</sup>، یکپارچگی استعدادهای<sup>۶</sup> زیستی، همانندسازی‌های مهم و دفاع‌های من به همراه نقش‌های پیشنهاد شده توسط یک جامعه است و از تعامل بین اینها، احساسی از هویت درونی به وجود می‌آید (کروگر، ۱۹۸۸). اریکسون (۱۹۶۴) معتقد است که افراد به‌منظور گذر موفقیت‌آمیز از مراحل تحول، بسیاری از ارزش‌ها و اعتقادات نزدیکانشان را می‌پذیرند و این امر سبب شکل‌گیری هویت در آنها می‌شود (گالت، ۲۰۰۵). در دیدگاه وی، تبلور مقدماتی هویت در دوران کودکی رخ می‌دهد، در حالی که در نوجوانی همانندسازی‌های کودکی واریسی و به‌منظور تولید وضعیت هویت جدید، تغییر می‌یابند (کاپلن و فوم، ۲۰۱۰). برزونسکی (۱۹۹۰) مدل پردازشی شکل‌گیری هویت<sup>۷</sup> را پیشنهاد کرد که بر تفاوت‌هایی در فرایندها و راهبردهایی که افراد برای مشارکت در یا اجتناب از تکالیف ساخت، حفظ و بازسازی احساس هویت استفاده می‌کنند، متمرکز است (کروستی، سیکا، شوارتز، سرافینی و میوس، ۲۰۱۳). سبک‌های هویت نشان‌دهنده راهبردهای حل مسأله<sup>۸</sup> یا راهبرد تباین<sup>۹</sup> با تعارض هویتی هستند که نشان‌دهنده چگونگی جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات توسط افراد و استفاده از آنهاست (برزونسکی، ۲۰۱۱؛ هیدر، ۲۰۰۱).

برزونسکی سه چهارچوب<sup>۱۰</sup> یا سبک جهت‌گیری هویتی را شناسایی کرده است: اطلاعاتی<sup>۱۱</sup>، هنجاری<sup>۱۲</sup> و اجتنابی/ سردرگم<sup>۱۳</sup>. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی نگرانی‌های

عمده‌ای در رابطه با خود خصوصی<sup>۱۴</sup> - ویژگی‌ها و نگرش‌های شخصی - در مقابله با وضعیت‌ها و پیچیدگی‌های هویت نشان می‌دهند و در تلاش برای کشف خود<sup>۱۵</sup>، جستجو و گردآوری اطلاعات و ارزیابی گزینه‌های موجود برای تصمیم‌گیری هستند. این سبک با پذیرا بودن نسبت به ایده‌ها و نگرش‌های جدید، نیاز به شناخت و مقابله مسأله‌محور مرتبط است (کاپلن و فلوم، ۲۰۱۰). افراد دارای سبک هویت هنجاری انتظارات، ارزش‌ها و دستورات کسب شده از اشخاص مهم پیروی می‌کنند و به طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات نمی‌پردازند (جبلت، تامسون و مایل، ۲۰۰۹). آنها برای مبارزه علیه چهره‌های قدرتمند زندگی‌شان مردد هستند و بنابراین در جستجوی الگوهای اعتقادی جایگزین نیستند. همچنین آنها تمایل به حفظ نگرش‌ها و تعهدات انعطاف‌ناپذیر دارند (برمن، شوارتز، کورتیز و برمان، ۲۰۰۱). در مقایسه با افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، آنها کمتر پذیرای تجربه‌های جدید هستند (دوریز و سوننس، ۲۰۰۶). افراد دارای سبک هویت اجتنابی / سردرگم تلاش می‌کنند که از مواجهه با مسائل فردی، تعارض‌ها و تصمیم‌گیری‌ها اجتناب کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵). عوامل موقعیتی اساساً تعیین‌کننده رفتارهای این افراد است (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). آنها اطمینان کمی به توانایی شناختی خود دارند و معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن و دلیل‌تراشی استفاده می‌کنند (برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶).

شناخته‌شده‌ترین مفهوم از رشد هویت در نوجوانی و ظهور بزرگسالی، به‌عنوان بخشی از مدل مرحله‌ای رشد روانی - اجتماعی در طول زندگی توسط اریکسون (۱۹۶۸) مطرح شده است. اریکسون رشد هویت را وظیفه اصلی تحول نوجوانی می‌داند که شامل حل تعارض بین ترکیب هویت<sup>۱۶</sup> و سردرگمی هویت<sup>۱۷</sup> است (اریکسون، ۱۹۶۸؛ کات و لوین، ۱۹۸۷). از نظر اریکسون (۱۹۸۲)، رشد مطلوب هویت به شکل‌گیری تصویر یکپارچه، منسجم و پیوسته از این که افراد در جنبه‌های مختلف زندگی (به‌عنوان مثال، ایدئولوژی، شغل، نقش‌های اجتماعی) چه کسی هستند، منجر می‌شود. این حس هویت به بخش‌های متناظر با عملکردهای مختلف برای حفظ انسجام و تداوم خود تقسیم می‌شود (شوارتز، ۲۰۰۱). هنگامی که افراد قادر به تعیین نگرش‌های شخصی باشند و این نگرش‌ها را با محلی برای ابراز در محیط تطابق دهند، از نظر اریکسون (۱۹۶۴) هویت شکل گرفته است (سوکول، ۲۰۰۹). اریکسون (۱۹۶۸) معتقد بود که

محیط اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ایفا می‌کند. روابط خانوادگی و کنش‌وری‌های خانواده<sup>۱۸</sup> می‌تواند به عنوان بافت‌های کوچک اجتماعی<sup>۱۹</sup> در نظر گرفته شود که در آن اشخاص مهم، بازخوردهایی را فراهم می‌کنند که موجب تحول روانشناختی اشخاص جوان، در انتقال از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی تا ظهور بزرگسالی می‌شود (شاختر و وتورا، ۲۰۰۸).

تعدادی از مطالعات (کروگر، ۲۰۰۴؛ لیچوارک-آسکاف، گریت، بوسما و کانن، ۲۰۰۸؛ میساتن، لوییز، برنج، ونهالست و گوسنز، ۲۰۱۱) نشان می‌دهند که از میان عوامل مختلف شخصیتی و محیطی، متغیرهای کنش‌وری خانواده موجب تفاوت‌هایی در سبک پردازش هویت نوجوانان می‌شود. چنان‌که اکثر صاحب‌نظران معتقدند، خانواده اولین و شاید اصلی‌ترین محیط برای یادگیری کودکان، به‌ویژه یادگیری معنایی که روابط برای آن‌ها دارند و چگونگی گسترش و نگهداری این روابط هستند و خانواده را مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان تلقی می‌کنند. پژوهش پالک، کیزمن و دئوستر (۲۰۱۴) نیز نشان می‌دهد کنش‌وری خانواده عامل اصلی تأثیرگذار بر فرایندها و پیامدهای اعضای خانواده است.

پترسن (۲۰۰۲) کنش‌وری خانواده را به‌عنوان الگوی روابط بین اعضای سیستم خانواده تعریف می‌کند که شامل فرایندهای فعالی است که در آن خانواده‌ها تلاش می‌کنند بین تقاضاها و قابلیت‌های اعضا تعادل برقرار کنند (دنی، گیویدیا-پاین، دیویس، فرانسیس و جکسون، ۲۰۱۴). کنش‌وری خانواده شیوه‌ای است که در آن اعضای خانواده با یکدیگر تعامل و رفتار می‌کنند، واکنش نشان می‌دهند، تصمیم‌گیری می‌کنند و مشکلاتشان را حل می‌کنند (پریچانگ، زائوسنیوسکی، هینزر، ماسیل، کرسمار و همکاران، ۲۰۰۷؛ سیلبورن، زوبریک، دی-مایو، شفر، گریفین و همکاران، ۲۰۰۶؛ وینک، ۲۰۱۰). این کنش‌ها عبارتند از: روابط هماهنگ<sup>۲۰</sup>، درگیری عاطفی<sup>۲۱</sup> میان اعضای خانواده (بعد عاطفی)، تقسیم مسئولیت‌ها<sup>۲۲</sup> و نقش‌های خانواده از طریق مذاکره<sup>۲۳</sup>، ثبات<sup>۲۴</sup> در مواجهه با نیازهای ابزاری<sup>۲۵</sup> خانواده (بعد ساختاری)، ثبات مهار شده برای تمرکز هسته خانواده<sup>۲۶</sup> (بعد مهار کردن)، ارتباط، اعتقادات، انسجام، قابلیت انطباق، ساختار، کیفیت ارتباط، سبک والدگری<sup>۲۷</sup>، انجام وظایف، شایستگی، تعارض، تصمیم‌گیری، حل مسأله خانواده از طریق همکاری (بعد شناختی) و در بعد خارجی،

نگهداری روابط مثبت با خویشاوندان و دوستان (لی، پارک، سانگ، لی، پارک و همکاران، ۲۰۰۲). بر این اساس، یکی از هدف‌های این پژوهش، مطالعه رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت است. با توجه به پیچیدگی‌های کنشوری خانواده و سبک هویت، این احتمال وجود دارد که متغیرهای دیگری در رابطه بین این دو نقش میانجی‌گری داشته باشند. طبق پژوهش‌های انجام گرفته درباره تأثیر کنشوری خانواده بر ویژگی‌های شخصیتی و همچنین تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر سبک هویت (دالینگر، ۱۹۹۵؛ دوریز، سوننس و برس، ۲۰۰۴)، این فرض مطرح می‌شود که ویژگی‌های شخصیتی ممکن است در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت نقش میانجی‌گری داشته باشند. هدف دوم پژوهش حاضر بر این اساس، بررسی نقش میانجی‌گری استحکام من<sup>۲۸</sup>، به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی، در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان بود.

آنا فروید (۱۹۵۸)، استحکام من را معادل توانایی درک و پذیرفتن واقعیت<sup>۲۹</sup> و دفاع علیه منابع درون و برون روانی اضطراب و نارضایتی می‌داند. ساختار من<sup>۳۰</sup> با مهار کردن برانگیختگی نامطلوب اجتماعی زمینه‌های لازم برای عملکرد قابل قبول اجتماعی را فراهم می‌سازد. ساختارهای من چند وجهی<sup>۳۱</sup> است و از نظر عملکردی در وضعیتی است که محدودیت‌های<sup>۳۲</sup> درونی و بیرونی را تعدیل می‌کنند و یا ممکن است نامتمایز<sup>۳۳</sup> و پابرجا<sup>۳۴</sup> باشند (بلاک، ۱۹۷۱). افراد به‌عنوان حل‌کننده مشکلات و تعدیل‌کننده محدودیت‌های درونی و بیرونی در نظر گرفته می‌شوند. مجموعه راهبردهای حل مسأله‌ای که در دسترس فرد است، با ابعاد شخصیتی تاب‌آوری من<sup>۳۵</sup> و مهار کردن من<sup>۳۶</sup> تعریف می‌شود (لتزینگ، بلاک و فاندرا، ۲۰۰۵). مهار کردن من به چگونگی ابراز یا مهار کردن برانگیختگی اشاره دارد و از کم مهار کردن؛ آستانه پایین بیان تکانه تا بیش‌مهار کردن؛ آستانه بالای بیان انگیزش امتداد دارد. تاب‌آوری من به ظرفیت کلی برای سازگاری انعطاف‌پذیر با عوامل استرس‌زای بیرونی و درونی اشاره می‌کند (الساندری، وسیکیو، استیکا، کاپرارا و کاپرارا، ۲۰۰۷). بلاک و بلاک (۱۹۸۰) من را در مرز بین این دو سیستم قرار دادند و قابلیت انعطاف‌پذیری<sup>۳۷</sup> و نفوذپذیری<sup>۳۸</sup> این مرز را به‌عنوان کارکرد مهم من شناسایی کردند. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استحکام من با تعدادی از شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی شامل حرمت خود، منبع مهار درونی، همدلی با دیگران،

نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

راهبردهای تباین و درخواست برای حمایت اجتماعی (مارکستروم، سایینو، ترنر و برمن، ۱۹۹۷؛ مارکستروم و مارشال، ۲۰۰۷)، سازگاری اجتماعی و هیجانی (شارما، ۲۰۱۲) و موفقیت تحصیلی (فریمن، ۲۰۰۱) رابطه دارد.

بدین ترتیب، با استناد به اهمیت استحکام من و نقش تأثیرگذار آن بر پویایی‌ها و کنش‌وری‌های روانشناختی و بین شخصی آن و کمک به کشف مکانیسم‌های تأثیرگذاری این سازه در رابطه بین کنش‌وری‌های خانواده و سبک هویت، این پژوهش با هدف‌های دوگانه پیش‌تر ذکر شده انجام شد.

## فرضیه‌های پژوهش

**فرضیه اول:** کنش‌وری خانواده با سبک هویت اطلاعاتی رابطه مثبت دارد. **فرضیه دوم:** کنش‌وری خانواده با سبک هویت هنجاری رابطه مثبت دارد. **فرضیه سوم:** کنش‌وری خانواده با سبک هویت سردرگم- اجتنابی رابطه منفی دارد. **فرضیه چهارم:** کنش‌وری خانواده با استحکام من رابطه مثبت دارد. **فرضیه پنجم:** استحکام من با سبک هویت اطلاعاتی رابطه مثبت دارد. **فرضیه ششم:** استحکام من با سبک هویت هنجاری رابطه مثبت دارد. **فرضیه هفتم:** استحکام من با سبک هویت سردرگم- اجتنابی رابطه منفی دارد. **فرضیه هشتم:** استحکام من در رابطه بین کنش‌وری خانواده و سبک هویت نقش واسطه‌ای دارد.

## روش

**طرح پژوهش، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:** طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و جامعه آماری آن همه دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آمل و مادران آنها بودند. تعداد ۵۰۰ مادر و فرزند (۲۵۰ دانش‌آموز و ۲۵۰ مادر) در این پژوهش شرکت کردند. پس از تقسیم شهر به مناطق چهارگانه، از هر منطقه به‌طور تصادفی یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه، و از هر مدرسه دو کلاس از مقاطع سوم و چهارم برای اجرای پژوهش انتخاب شدند. از شرایط شرکت در این پژوهش این بود که مادران، دارای حداقل سواد خواندن و نوشتن و فرزندان، دانش‌آموز مقطع سوم یا چهارم دبیرستان باشند و در هر دو گروه کسی به بیماری

روان‌پزشکی و یا پزشکی مستلزم مصرف دارو در زمان انجام پژوهش مبتلا نباشد. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، ابزار سنجش خانواده<sup>۳۹</sup> در مادران و مقیاس سبک هویت<sup>۴۰</sup> و مقیاس استحکام من<sup>۴۱</sup> در فرزندان اجرا شد. به‌منظور کنترل اثر ترتیب و خستگی، مقیاس‌ها به تناسب با ترتیب‌های متفاوت ارائه شدند. تعداد ۲۶ آزمودنی به دلیل پاسخ ناقص به ابزارها از تحلیل آماری کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب نمونه پژوهش به ۴۷۴ نفر (۲۳۷ مادر، ۱۲۳ فرزند پسر، ۱۱۴ فرزند دختر) تقلیل یافت. میانگین سنی آزمودنی‌های مادر و فرزند به ترتیب ۴۱ و ۱۷ سال و انحراف معیار سن آنها به ترتیب ۷/۰۲ و ۱/۱۵ سال بود. سطح تحصیلات ۱۰۷ نفر (۴۵/۱ درصد) از مادران زیر دیپلم، ۷۹ نفر (۳۳/۳ درصد) دیپلم، ۱۲ نفر (۵/۱ درصد) فوق دیپلم، ۳۶ نفر (۱۵/۲ درصد) لیسانس و ۳ نفر (۱/۳ درصد) فوق لیسانس بود. تعداد ۵۹ نفر (۲۴/۹ درصد) از مادران شاغل و ۱۷۸ نفر (۷۵/۱ درصد) خانه‌دار بودند. تعداد ۱۱۵ نفر از فرزندان (۴۸/۵ درصد) پایه سوم و ۱۲۲ نفر (۵۱/۵ درصد) پایه چهارم دبیرستان بودند. تعداد ۸۱ نفر از دانش‌آموزان (۳۴/۲ درصد) در رشته ریاضی- فیزیک، ۱۲۲ نفر (۵۱/۵ درصد) در رشته علوم تجربی و ۳۴ نفر (۱۴/۳ درصد) در رشته علوم انسانی مشغول به تحصیل بودند.

#### ابزار پژوهش: ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از:

مقیاس سبک هویت (4-*ISI* برزونسکی، ۱۹۸۹): مقیاس سبک هویت (ISI) اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شد و سپس دوبار توسط خود او مورد تجدید نظر قرار گرفت. این ابزار ۴۰ گویه‌ای، یک مقیاس خود گزارشی است که شامل چهار زیرمقیاس است. سه تا از زیر مقیاس‌ها مربوط به سبک هویت و یکی مربوط به تعهد هویت است. تعداد ۱۱ گویه آن در ارتباط با سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ گویه آن در ارتباط با سبک هویت اجتنابی / سردرگم و ۹ گویه آن مربوط به سبک هویت هنجاری و ۱۰ گویه نیز در ارتباط با تعهد هویت است (برزونسکی، ۱۹۸۹). پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شده است، پیوستار پاسخ‌ها بر پایه طیفی از کاملاً مخالف، مخالف، مطمئن نیستم، موافق و کاملاً موافق رتبه‌بندی شده و به ترتیب نمره‌های یک، دو، سه، چهار و پنج به هر گزینه اختصاص یافته است



نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

(حجازی، شهر آرای، فارسی‌نژاد و عسگری، ۲۰۰۹). پژوهش برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد که گرچه ویژگی‌های روانسنجی نسخه چهارم سبک هویت بهتر از نسخه سوم بود مثل بالاتر بودن ضرایب پایایی بازآزمایی<sup>۴۲</sup> سبک اطلاعاتی ۰/۸۰، هنجاری ۰/۸۵ و سردرگم/اجتنابی ۰/۸۷، اما مقیاس هنجاری دارای قابلیت اعتماد کمتر از ۰/۷۰ و دارای برخی مشکلات درستی بود. این پرسشنامه در ایران توسط رحیمی‌نژاد، یزدانی و وزانه، امانی و فراهانی (۱۳۸۹) ترجمه شده و قابلیت اعتماد و درستی آن مورد بررسی قرار گرفته است. درستی سازه نسخه فارسی سبک هویت (ISI-4) با دو روش تحلیل عاملی اکتشافی و درستی همگرا-واگرا و قابلیت اعتماد آن مورد بررسی قرار گرفت (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). ضرایب همسانی درونی<sup>۴۳</sup> به روش آلفای کرونباخ برای سبک اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و نیز تعهد هویت به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۱، ۰/۷۱ و ۰/۸۴ و قابلیت اعتماد بازآزمایی برای سبک اطلاعاتی، هنجاری، آشفتگی-اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۴۷، ۰/۶۷ و ۰/۷۴ محاسبه شد (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

*ابزار سنجش خانواده (FAD): اپستین، بیشاپ و لوین، ۱۹۷۸*: این مقیاس یک ابزار ۶۰ سؤالی است که بر اساس مدل مک مستر در مورد کنش‌وری خانواده ساخته شده است. این مقیاس کنش‌وری خانواده را در هفت زمینه شامل حل مسأله، ارتباطات، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی، مهار کردن رفتار و عملکرد کلی در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً موافق) تا نمره ۴ (کاملاً مخالف) می‌سنجد. هر اندازه نمره افراد در این مقیاس بالاتر باشد، مشخصه‌های خانوادگی آنان ناکارآمدتر و نامطلوب‌تر است. مشخصه‌های روان‌سنجی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است (استیگر، لیکورتیک، چاپمن و هاسین، ۱۹۹۱؛ میلر، رایان، کیتنر، بیشاپ و اپستین، ۲۰۰۰؛ والر، کالام و اسلد، ۱۹۸۹). در اعتباریابی فرم فارسی مقیاس سنجش خانواده که توسط محمدی‌زاده و ملک خسروی (۱۳۸۵) در نمونه ۵۰۰ نفری انجام شده، آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه ابزار سنجش خانواده در ارتباط با همه سؤالات ۰/۹۲ و در مورد زیرمقیاس‌های حل مسأله ۰/۷۲، ارتباط ۰/۷۰، نقش‌ها ۰/۷۱، مشارکت عاطفی ۰/۷۳، پاسخ‌دهی عاطفی ۰/۷۱، کنترل ۰/۶۶ و کارکرد کلی ۰/۸۲ به‌دست

آمد که نشانه همسانی درونی بالای این مقیاس است. ضرایب همبستگی پیرسون بین نمره‌های ۵۰ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله یک هفته از ۰/۵۷ تا ۰/۸۰ محاسبه شد که نشانه قابلیت اعتماد بازآزمایی بالای فرم فارسی است. همبستگی کلی پرسشنامه نیز در دو مرحله ۰/۸۲ بود (محمدی‌زاده و ملک خسروی، ۱۳۸۵).

مقیاس استحکام من (ESS؛ بشارت، ۱۳۸۶، ۱۳۹۴): مقیاس استحکام من، یک ابزار خودگزارشی است که از ۲۵ گویه تشکیل شده است و برای اندازه‌گیری میزان توانمندی من در مهار و مدیریت موقعیت‌ها و شرایط دشوار زندگی ساخته و هنجاریابی شده است. این مقیاس واکنش‌های فرد به موقعیت‌های دشوار زندگی را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) برحسب پنج زیرمقیاس مهار کردن من، تاب‌آوری من، راهبردهای دفاعی تحول‌یافته<sup>۴۴</sup>، راهبردهای تباین مسأله‌محور<sup>۴۵</sup> و راهبردهای تباین هیجان‌محور مثبت<sup>۴۶</sup> می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌های استحکام من به ترتیب ۵ و ۲۵ است. از مجموع نمره پنج زیرمقیاس آزمون، نمره کل فرد برای استحکام من از ۲۵ تا ۱۲۵ محاسبه می‌شود. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس استحکام من در چندین پژوهش که در خلال سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ در نمونه‌های بیمار ( $n = 372$ ) و بهنجار ( $n = 1257$ ) انجام شده‌اند، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند (بشارت، ۱۳۸۶، ۱۳۹۲). در این پژوهش‌ها، ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های هر یک از زیرمقیاس‌های استحکام من برای مهار کردن من از ۰/۷۵ تا ۰/۸۷، برای تاب‌آوری من از ۰/۷۷ تا ۰/۹۰، برای مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته از ۰/۷۷ تا ۰/۸۹، برای راهبردهای تباین مسأله‌محور از ۰/۷۶ تا ۰/۹۱، برای راهبردهای تباین هیجان‌محور مثبت از ۰/۷۳ تا ۰/۸۶ و برای نمره کل مقیاس استحکام من از ۰/۸۱ تا ۰/۹۳ به‌دست آمد. این ضرایب همسانی درونی مقیاس استحکام من را تأیید می‌کنند. قابلیت اعتماد بازآزمایی مقیاس استحکام من برای نمونه‌های بیمار ( $n = 122$ ) و بهنجار ( $n = 274$ ) در دو نوبت با فاصله‌های ۲ تا ۴ هفته برای مهار من از ۰/۶۴ تا ۰/۷۳، برای تاب‌آوری من از ۰/۷۱ تا ۰/۸۴، برای مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته از ۰/۷۰ تا ۰/۸۵، برای راهبردهای تباین مسأله‌محور از ۰/۶۷ تا ۰/۷۸، برای راهبردهای تباین هیجان‌محور مثبت از ۰/۶۹ تا ۰/۸۱ و برای نمره کل مقیاس استحکام من از

نقش میانجی گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هويت فرزندان

۰/۷۳ تا ۰/۸۸ به دست آمد. اين ضرايب كه همه در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  معنادار هستند، قابليت اعتماد بازآزمایی مقياس استحکام من را تأييد می کنند.

## داده‌ها یافته‌ها

جداول شماره (۱ و ۲) به ترتیب میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای کنشوری‌های خانواده را برای مادران و متغیرهای استحکام من و سبک هويت فرزندان را به تفکیک جنس نشان می دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد کنشوری خانواده

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
حل مسأله	۱۱/۰۸	۲/۳۱
ارتباطات	۱۴/۴۴	۲/۸۵
نقش‌ها	۲۰/۷۹	۳/۷۰
پاسخدهی عاطفی	۱۴/۹۵	۳/۳۱
مشارکت عاطفی	۱۸/۴۵	۳/۷۱
مهار کردن رفتاری	۲۱/۳۹	۳/۲۹
کنشوری خانواده	۲۵/۶۴	۵/۲۹

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سبک هويت و استحکام من

متغیر	دختر		پسر		کل
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
سبک اطلاعاتی	۲۷/۳۸	۴/۸۳	۲۷/۲۲	۷/۳۰	۲۷/۳۰
سبک هنجاری	۱۶/۰۱	۳/۵۱	۱۶/۴۳	۴/۷۱	۱۶/۲۳
سبک اجتنابی/سردرگم	۱۹/۶۸	۵/۰۴	۲۰/۶۰	۵/۱۷	۲۰/۱۶
استحکام من	۸۲/۱۵	۱۵/۸۷	۸۳/۷۸	۱۲/۴۵	۸۳/۰۰

جدول شماره (۳) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای کنشوری خانواده و سبک هويت فرزندان را نشان می دهد. با توجه به این جدول، همبستگی کنشوری‌های خانواده با سبک هويت فرزندان معنادار نیست. بدین ترتیب فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش رد می شوند.

نقش میانجی گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

جدول ۳: ماتریس ضریب همبستگی پیرسون  
بین متغیرهای کنشوری خانواده و سبک هویت (n = ۴۷۴)

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱- حل مساله										
۲- ارتباطات	۰/۴۲ <sup>oo</sup>									
۳- نقش ها	۰/۳۱ <sup>oo</sup>	۰/۳۸ <sup>oo</sup>								
۴- پاسخدهی عاطفی	۰/۳۱ <sup>oo</sup>	۰/۴۵ <sup>oo</sup>	۰/۵۵ <sup>oo</sup>							
۵- مشارکت عاطفی	۰/۱۶ <sup>oo</sup>	۰/۳۶ <sup>oo</sup>	۰/۴۶ <sup>oo</sup>	۰/۵۱ <sup>oo</sup>						
۶- مهار کردن رفتاری	۰/۳۹ <sup>oo</sup>	۰/۳۲ <sup>oo</sup>	۰/۲۴ <sup>oo</sup>	۰/۳۰ <sup>oo</sup>	۰/۲۴ <sup>oo</sup>					
۷- کنشوری خانواده	۰/۴۳ <sup>oo</sup>	۰/۵۰ <sup>oo</sup>	۰/۶۰ <sup>oo</sup>	۰/۷۳ <sup>oo</sup>	۰/۴۹ <sup>oo</sup>	۰/۴۰ <sup>oo</sup>				
۸- سبک اطلاعاتی	-۰/۱۱	-۰/۱۷ <sup>oo</sup>	-۰/۱۷ <sup>oo</sup>	-۰/۱۱	-۰/۱۳ <sup>oo</sup>	-۰/۱۲	-۰/۰۹			
۹- سبک هنجاری	-۰/۰۰	-۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۱۳ <sup>oo</sup>	۰/۱۵ <sup>oo</sup>	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۲۶ <sup>oo</sup>		
۱۰- سبک اجتنابی/سردرگم	۰/۰۵	۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۱۳ <sup>oo</sup>	۰/۱۶ <sup>oo</sup>	۰/۱۳ <sup>oo</sup>	۰/۱۰	-۰/۱۶ <sup>oo</sup>	۰/۲۴ <sup>oo</sup>	

\*:  $p < 0/05$  ، \*\* $p < 0/01$

جدول شماره (۴) ضریب همبستگی پیرسون بین کنشوری خانواده و استحکام من فرزندان را نشان می دهد. همان گونه که مشاهده می شود، بین کنشوری خانواده و استحکام من فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $r = 0/15$  ،  $p < 0/05$ ). بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تأیید می شود.

جدول ۴: ماتریس ضریب همبستگی پیرسون  
بین متغیرهای کنشوری خانواده و استحکام من فرزندان (n = ۴۷۴)

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- حل مساله								
۲- ارتباطات	۰/۴۲ <sup>oo</sup>							
۳- نقش ها	۰/۳۱ <sup>oo</sup>	۰/۳۸ <sup>oo</sup>						
۴- پاسخدهی عاطفی	۰/۳۱ <sup>oo</sup>	۰/۴۵ <sup>oo</sup>	۰/۵۵ <sup>oo</sup>					
۵- مشارکت عاطفی	۰/۱۶ <sup>oo</sup>	۰/۳۶ <sup>oo</sup>	۰/۴۶ <sup>oo</sup>	۰/۵۱ <sup>oo</sup>				
۶- مهار کردن رفتاری	۰/۳۹ <sup>oo</sup>	۰/۳۲ <sup>oo</sup>	۰/۲۴ <sup>oo</sup>	۰/۳۰ <sup>oo</sup>	۰/۲۴ <sup>oo</sup>			
۷- کنشوری خانواده	۰/۴۳ <sup>oo</sup>	۰/۵۰ <sup>oo</sup>	۰/۶۰ <sup>oo</sup>	۰/۷۳ <sup>oo</sup>	۰/۴۹ <sup>oo</sup>	۰/۴۰ <sup>oo</sup>		
۸- استحکام من فرزند	-۰/۰۸	-۰/۱۹ <sup>oo</sup>	-۰/۱۱	-۰/۱۵ <sup>oo</sup>	-۰/۱۴ <sup>oo</sup>	-۰/۰۹	-۰/۱۵ <sup>oo</sup>	

\*:  $p < 0/05$  ، \*\* $p < 0/01$

جدول شماره (۵) نیز ضریب همبستگی پیرسون بین استحکام من و سبک هویت فرزندان را نشان می دهد. همان گونه که جدول نشان می دهد، استحکام من با سبک هویت اطلاعاتی ( $r = 0/49$  ،  $p < 0/01$ ) و سبک هویت هنجاری ( $r = 0/26$  ،  $p < 0/01$ ) رابطه مثبت معنادار دارد. بنابراین فرضیه های پنجم و ششم پژوهش تأیید و فرضیه هفتم پژوهش رد می شوند.

نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

**جدول ۵: ماتریس ضریب همبستگی پرسون متغیرهای استحکام من و سبک هویت (n = ۲۳۷)**

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱- استحکام من کل	۱			
۲- سبک اطلاعاتی	۰/۴۹ <sup>oo</sup>	۱		
۳- سبک هنجاری	۰/۲۰ <sup>oo</sup>	۰/۲۶ <sup>oo</sup>	۱	
۴- سبک اجتنابی/سردرگم	-۰/۰۷	-۰/۱۶ <sup>oo</sup>	۰/۲۴ <sup>oo</sup>	۱

\*:  $p < ۰/۰۵$  ، \*\*:  $p < ۰/۰۱$

برای سنجش نقش میانجی‌گری استحکام من در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت، تحلیل مسیر انجام شد. در جدول شماره (۶) میزان اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل کنشوری خانواده بر سبک هویت با میانجی‌گری استحکام من نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود اثرات غیرمستقیم کنشوری خانواده بر سبک هویت اطلاعاتی (ضریب اثر =  $۰/۰۸$ )، و اجتنابی/سردرگم ( $p < ۰/۰۱$ ) به لحاظ آماری معنادار است. اثر غیرمستقیم کنشوری خانواده بر سبک هویت هنجاری و اجتنابی/سردرگم با میانجی‌گری استحکام من به لحاظ آماری معنادار نیستند. اثرات مستقیم را می‌توان در جدول مشاهده نمود. ضریب تبیین سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت اجتنابی/سردرگم و استحکام من به ترتیب برابر با ۲۵، ۴، ۱ و ۲ درصد است.

**جدول ۶: ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و ضرایب تبیین کل کنشوری خانواده بر سبک هویت با میانجی‌گری استحکام من**

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	ضریب تبیین
سبک اطلاعاتی از:				۰/۲۵
استحکام من	۰/۴۹ <sup>oo</sup>	-	۰/۴۹ <sup>oo</sup>	
کنشوری خانواده مادر	-	-۰/۰۸ <sup>oo</sup>	-۰/۰۸ <sup>oo</sup>	
سبک هنجاری از:				۰/۰۴
استحکام من	۰/۲۰ <sup>oo</sup>	-	۰/۲۰ <sup>oo</sup>	
کنشوری خانواده مادر	-	-۰/۰۳	-۰/۰۳	
سبک اجتنابی/سردرگم از:				۰/۰۱
استحکام من	-۰/۰۸	-	-۰/۰۸	
کنشوری خانواده مادر	-	۰/۰۱	۰/۰۱	
استحکام من از:				۰/۰۲
کنشوری خانواده مادر	-۰/۱۶ <sup>oo</sup>	-	-۰/۱۶ <sup>oo</sup>	

\*\* :  $p < ۰/۰۱$

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که کنشوری مطلوب خانواده با استحکام من فرزندان رابطه مثبت دارد. استحکام من نیز با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت معنادار و با سبک هویت اجتنابی/سردرگم رابطه منفی داشت. همچنین، استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده (مادران) و سبک هویت اطلاعاتی فرزندان نقش میانجی‌گری داشت. این نتایج که با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (بروک و استوتمن، ۲۰۰۳؛ دنسور و استورمشاک، ۲۰۰۳؛ سوانسون، ولینت، لمری- چالفانت و اوبرین، ۲۰۱۱؛ لیچوارک و همکاران، ۲۰۰۸) مطابقت دارند، بر حسب احتمالات زیر تبیین می‌شوند.

روابط گرم و صمیمی بین اعضای خانواده، که از آموزش ویژگی‌های ارتباط و پاسخدهی مناسب عاطفی در فرزندان شکل می‌گیرد، آمادگی نوجوانان را برای پذیرش اطلاعات جدید افزایش می‌دهد و باعث می‌شود در سنین نوجوانی که افراد در موقعیت تصمیم‌گیری‌های مهم برای زندگی قرار می‌گیرند، از روش فعال جستجو و ارزیابی اطلاعات استفاده کنند. این ویژگی‌ها به نوبه خود زمینه را برای شکل‌گیری سبک هویت اطلاعاتی در نوجوانان فراهم می‌سازند (کروگر و مارشیا، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، یکی از مؤلفه‌های کنشوری مطلوب خانواده، آموزش ویژگی حل مسأله به فرزندان است. بدین ترتیب، زمانی که فرزندان با موقعیت‌های تنش‌آور مواجه می‌شوند، می‌توانند به‌شیوه بهتری موقعیت موجود را بررسی کنند و به‌صورت کارآمدتری آن را حل نمایند. این ویژگی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده استحکام من محسوب می‌شود (پالک و همکاران، ۲۰۱۴). به علاوه، افراد با تاب‌آوری من بالا، در مواجهه با شرایط دشوار و استرس‌زا می‌توانند شرایط را بررسی و مدیریت کنند و به‌طور مؤثرتری به شرایط پاسخ دهند. همچنین این افراد که توانایی خوبی در سازگاری با موقعیت‌های جدید و پراسترس دارند، هنگام مواجهه با شرایط جدید از راهبردهای تباین مسأله‌محور استفاده می‌کنند که به‌موجب آن، ابتدا موقعیت را بررسی می‌کنند، جنبه‌های گوناگون را در نظر می‌گیرند و به شیوه مناسب پاسخ می‌دهند. با شکل‌گیری و رشد این ویژگی‌ها، خصیصه‌های سبک هویت اطلاعاتی در نوجوانان تقویت می‌شوند. به این ترتیب رابطه بین استحکام من و سبک هویت اطلاعاتی تبیین می‌شود (متیس و آدامز، ۲۰۰۴؛ مک‌کارتی، لامبرت و سرافین، ۲۰۰۴).

نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

نتایج این پژوهش نشان داد که استحکام من در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت اطلاعاتی فرزندان نقش میانجی‌گرانه دارد. با توجه به این که این تأثیر میانجی‌گری جزئی بود، می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از رابطه کنش‌وری خانواده با سبک هویت فرزندان از طریق استحکام من تبیین می‌شود (سوانسون و همکاران، ۲۰۱۱). در خانواده‌هایی که والدین به‌ویژه مادر پاسخدهی عاطفی مطلوبی دارند و توانایی مشارکت عاطفی‌شان در رابطه با سایر اعضای خانواده مطلوب است، دلبستگی ایمنی شکل می‌گیرد که کودکان را قادر می‌سازد تا با احساس امنیت در محیط کاوش کنند و با منابع یادگیری بیشتری آشنا شوند و در نتیجه پذیرای اطلاعات جدید باشند. وجود ویژگی‌هایی از این دست در کودکان و تداوم آنها تا نوجوانی، موجب می‌شود فرد هنگام مواجهه با موقعیت جدید، با جرأت بیشتری در جستجوی منابع اطلاعاتی و پذیرای اطلاعات جدید باشد و در مواجهه با مسائل از راهبردهای اطلاعاتی استفاده کند.

پیامدهای نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در دو سطح نظری و عملی به این شرح مطرح کرد: در سطح نظری، رابطه بین کنشوری خانواده و استحکام من و همچنین رابطه بین استحکام من و سبک هویت که در پژوهش‌های پیشین چندان مورد بررسی قرار نگرفته بود، روشن می‌شود. از جمله پیامدهای نظری یافته‌های پژوهش حاضر، فراهم‌سازی اندیشه‌ها و فرض‌های جدید در مورد تعیین‌کننده‌های سبک هویت است. این تعیین‌کننده‌ها (کنشوری خانواده و استحکام من) نه تنها باعث غنی‌سازی مدل‌های نظری سبک هویت می‌شوند، بلکه به تقویت رابطه نظریه‌های مربوط به کنش‌وری خانواده و نظریه‌های مربوط به استحکام من، منتهی می‌شوند. در سطح پیامدهای عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌توانند مبنای مناسبی برای تدوین برنامه‌ها و مداخلات آموزشی-درمانی جهت آموزش مهارت‌های مربوط به کنش‌وری خانواده شامل ارتباطات، راهبردهای تبیین کارآمد به والدین قرار گیرد.

جامعه آماری و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش یک نمونه از دانش‌آموزان شهرستان آمل بود و در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. برای بررسی دقیق‌تر رابطه کنشوری خانواده و سبک هویت، پیشنهاد می‌شود کنشوری خانواده از نظر سایر اعضای خانواده نیز ارزیابی شود، تا

نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

اثر احتمالی حالات خلقی و روابط فعلی آزمودنی کاهش یابد. همچنین پیشنهاد می‌شود سایر عوامل میانجی‌گرانه مؤثر بر سبک هویت از طریق کنشوری خانواده با توجه به پیشینه پژوهشی در این زمینه نیز مورد بررسی قرار گیرند.

## پی‌نوشت‌ها:

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| 1- ego identity                        | 2- self-continuity                    |
| 3- exploration                         | 4- commitment                         |
| 5- identity formation                  | 6- endowment                          |
| 7- process model of identity formation | 8- problem solving                    |
| 9- coping mechanisms                   | 10- frames                            |
| 11- informational                      | 12- normative                         |
| 13- diffuse-avoidant                   | 14- private self                      |
| 15- self-exploration                   | 16- identity synthesis                |
| 17- identity confusion                 | 18- family functioning                |
| 19- micro-social                       | 20- harmonious relations              |
| 21- affective involvement              | 22- responsibilities                  |
| 23- negotiation                        | 24- stability                         |
| 25- instrumental                       | 26- family's core                     |
| 27- parenting style                    | 28- ego strength                      |
| 29- reality                            | 30- ego structure                     |
| 31- multi-faceted                      | 32- constraints                       |
| 33- undifferentiated                   | 34- perseverating                     |
| 35- ego-resiliency                     | 36- ego-control                       |
| 37- elasticity                         | 38- permeability                      |
| 39- Family Assessment Device           | 40- Identity Style Inventory          |
| 41- Ego Strength Scale                 | 42- test-retest reliability           |
| 43- internal consistency               | 44- mature defense mechanisms         |
| 45- problem-focused coping             | 46- positive emotional-focused coping |

## منابع و مآخذ فارسی:

بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس استحکام من. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.



نقش میانجی‌گری استحکام من فرزندان در رابطه بین کنشوری خانواده و سبک هویت فرزندان

بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۴). بررسی پایایی، روایی و تحلیل عاملی مقیاس استحکام من.

روانشناسی معاصر، ۲۰، زیر چاپ.

رحیمی‌نژاد، عباس؛ یزدانی ورزنده، محمدجواد؛ امانی، حسین و فراهانی، حجت‌اله. (۱۳۸۹).

بررسی ویژگی‌های سنجشی نسخه چهارم پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-4). مجله

علوم روانشناختی، ۳۶، ۴۰۵-۴۱۸.

محمدی‌زاده، عباس و ملک خسروی، غلامرضا. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی ویژگی‌های

روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD)، فصلنامه

خانواده‌پژوهی، ۵، ۶۹-۸۹.

## منابع و مأخذ خارجی:

- Alessandri, G. A., Vecchio, G. M., Steca, P., Caprara, M. G., & Caprara, G. V. (2007). A revised version of kremen and block's ego resiliency scale in an Italian sample. *TPM, 14*, 165-183.
- Baruch, R., & Stutman, S. (2003). The yin and yang of resilience. In E. H. Grotberg (Ed.), *Resilience for today* (pp. 31-52). Westport, CT: Praeger.
- Berman, A. M., Schwartz, S. J., Kurtines, W. M., & Berman, S. L. (2001). The process of exploration in identity formation: the role of style and competence. *Journal of Adolescence, 24*, 513-528.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 268-282.
- Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in personal construct theory* (Vol. 1, pp. 155-186). Greenwich, CT.
- Berzonsky, M. D. (2011). A social-cognitive perspective on identity construction. In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & K. V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 55-76). New York: Springer.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences, 20*, 597-606.
- Berzonsky, M. D. & Kuk. L. S. (2000). Identity status, Identity style, and transition to university. *Journal of Adolescent Research, 15*, 81-98.

- Berzonskey, M. D., & Kuk, L. (2005). Identity style, psychosocial maturity, an academic performance. *Personality and Individual Differences, 39*, 235-247.
- Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smite, I., Papini, D. R. et al. (2013). Development and Validation of the Revised Identity Style Inventory (ISI-5): Factor Structure, Reliability, and Validity. *Psychological Assessment American Psychological Association, 3*, 893-904.
- Block, J. (1971). *Lives through time*. Berkeley, CA: Bancroft.
- Block, J. H., & Block, H. (1980). The role of ego-control and ego-resiliency in the organization of behavior. In W. A. Collin (Ed.), *Minnesota symposia on child psychology* (pp. 33-101). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Côté, J. E., & Levine, C. G. (1987). A formulation of Erikson's theory of ego identity formation. *Developmental Review, 7*, 273-325.
- Crocetti, E., Sica, L. S., Schwartz, S. J., Serafini, T., & Meeus, W. (2013). Identity styles, dimensions, statuses, and functions: making connections among identity conceptualizations. *Revue europeenne de psychologie appliquee, 63*, 1-13.
- Denny, B., Gavidia-Payne, S., Davis, K., Francis, A., & Jackson, M. (2014). Strengthening Australian families: socioeconomic status, social connectedness, and family functioning. *Australian Social Work*, <http://dx.doi.org/10.1080/0312407X.2014.911927>.
- Dinsmore, B. D., & Stormshak, E. A. (2003). Family functioning and eating attitudes and behaviors in at-risk early adolescent girls: the mediating role of intra-personal competencies. *Current Psychology: Developmental, Learning, Personality, Social, 22*, 100-116.
- Dunkel, C. S. (2005). The relationship between self-continuity and measures of identity. *Identity: An International Journal of Theory and Research, 5*, 21-34.
- Dunkel, C. S., Mathes, E., & Harbke, C. (2011). Life history strategy, identity consolidation, and psychological well-being. *Personality and Individual Differences, 51*, 34-38.
- Dollinger, S. M. (1995). Identity styles and the five-factor model of personality. *Journal of Research in Personality, 29*, 475-479.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles, and religiosity: an integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence, 29*, 119-135.
- Duriez, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004). Personality, identity styles, and religiosity: An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality, 72*, 877-908.
- Epstein, N. B., Bishop, D. S., & Levin, S. (1978). The McMaster model of family functioning. *Journal of Marriage and Family counseling, 7*, 19-31.

- Erikson, E. H. (1964). *Insight and Responsibility*. New York: W. W. Norton.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1982). *The life cycle completed: A review*. New York: Norton.
- Freeman, D. M. (2001). *The Contribution of Faith and Ego Strength to the Prediction of GPA among High School Students*. Dissertation submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University In partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctorate of Philosophy in Human Development.
- Freud, A. (1958). Adolescence. *Psychoanalytic Study of the Child*, 13, 255-278.
- Gebelt, J. L., Thompson, S. K., & Miele, K. A. (2009). Identity style and spirituality in a collegiate context. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 9(3), 219-232.
- Heather, J. B. (2001). Identity style, cognitive style and well-being. The rule of commitment. *Journal of Adolescence Research*, 8, 76-79.
- Hejazi, E., Shahraray, M., Farsinejad, M., & Asgary, Ali. (2009). Identity styles and academic achievement: mediating role of academic self-efficacy. *Social Psychology Education*, 12, 123-135.
- Gault, G. A. A. (2005). *Identity style, acculturation strategies and employment status of formally educated foreign-born African women in the united states*. Doctoral Thesis, Virginia institute and State University.
- Kaplan, A., & Flum, H. (2010). Achievement goal orientations and identity formation styles. *Educational Research Reviews*, 5, 50-67.
- Kroger, J. (1988). A longitudinal study of ego identity status interview domains. *Journal of Adolescence*, 11, 49-64.
- Kroger, J. (2004). *Identity in adolescence: the balance between self and others* (5<sup>th</sup> Ed). Routledge Psychology Press.
- Kroger, J., & Marcia, J. E. (2011). The identity statuses: Origins, Meanings, and interpretations. In S. J. Schwartz; K. Luyckx; V. L. Vingoles. (Eds.), *Handbook of Identity Theory and Research*, (pp. 31-53). New York: Springer-Verlag.
- Lee, E. O., Park, Y. S., Song, M., Lee, I. S., Park, Y., & Kim, H. S. (2002) Family functioning in the context of chronic illness in women: *a Korean study*. *International Journal Nur Students*, 39, 705-711.
- Letzring, T. D., Block, J., & Funder, D. C. (2005). Ego control and ego resiliency: Generalization of self-report scales based on personality descriptions from acquaintances, clinicians, and the self. *Journal of Research in Personality*, 39, 395-422.
- Lichtwarck-Aschoff, A., Geert, P. V., Bosma, H., & Kunnen, S. (2008). Time and identity: A framework for research and theory formation. *Developmental Review*, 28, 370-400.

- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology* 3, 551-558.
- Markstrom, C. A., Sabino, V. M., Turner, B., & Berman, B. C. (1997). The Psychosocial Inventory of Ego Strengths: Development and validation of a new Eriksonian measure. *Journal of Youth and Adolescence*, 26, 705-732.
- Markstrom, C. A., & Marshall, S. K. (2007). The psychosocial inventory of ego strengths: Examination of theory and psychometric properties. *Journal of Adolescence*, 30, 63-79.
- Mathis, S., & Adams, G. R. (2004). Family climate and identity style during late adolescence. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 4, 77-95.
- McCarthy, C. J., Lambert, R. G., & Seraphine, A. E. (2004). Adaptive family functioning and emotion regulation capacities as predictors of college students' appraisals and emotion valence following conflict with their parents. *Cognition and Emotion*, 18, 97-124.
- Miller, I. W., Ryan, C. E., Kietner, G. I., Bishop, D. S., & Epstein, N. B. (2000). The McMaster approach to families: theory, assessment, treatment and research. *Journal of Family Therapy*, 22, 168-189.
- Missotten, L. C., Luyckx, K., Branje, S., Vanhalst, J., & Goossens, L. (2011). Identity styles and conflict resolution styles: associations in mother-adolescent dyads. *Journal of Youth Adolescence*, 40, 972-982.
- Patterson, J. M. (2002). Understanding family resilience. *Journal of Clinical Psychology*, 58, 233-246. doi:10.1002/jclp.10019.
- Pollock, E. D., Kazman, J. B., & Deuster, P. (2014). Family functioning and stress in african American families: a strength-based approach. *Journal of Black Psychology*, 1-26.
- Preechawong, S., Zauszniewski, J. A., Heinzer, M. M. V., Musil, C. M., Kercsmar, C., & et al. (2007). Relationships of family functioning, self-esteem, and resourceful coping of Thai adolescents with asthma. *Issues in Mental Health Nursing, Special Issue: Adolescent Mental Health*, 28, 21-36.
- Schachter, E. P., & Ventura, J. J. (2008). Identity agents: Parents as active and reflective participants in their children's identity formation. *Journal of Research on Adolescence*, 18, 449-476.
- Schwartz, S. J. (2001). The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and Research: A review and integration. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 7-58.
- Sharma, R. (2012). E students. *Indian Streams Research Journal*, 2, 1-4.
- Silburn, S., Zubrick, S., De Maio, J., Shepherad, C., & Greeffin, J. (2006). The western Australian Aboriginal child health survey: Strengthening the capacity of Aboriginal children, families and communities. Perth: Curtin

University of technology and telethon institute for child health research [On-line]. Available: [www.childhealthresearch.com.au/waachs/publications/](http://www.childhealthresearch.com.au/waachs/publications/).

- Sokol, J. T. (2009). Identity development throughout the lifetime: An examination of Eriksonian theory. *Graduate Journal of Counseling Psychology, 27*, 139-148.
- Steiger, H., Liquornik, K., Chapman, J., & Hussain, N. (1991). Personality and family disturbances in eating disorder patients: Comparison of "restrictors" and "bingers" to normal controls. *International Journal of Eating Disorder, 10*, 501-512.
- Swanson, J., Valiente, C., Lemery-Chalfant, K., & O'Brien, T. C. (2011). Predicting early adolescents' academic achievement, social competence, and physical health from parenting ego resilience, and engagement coping. *Journal of Early Adolescence, 31*, 548-576.
- Waller, G., Calam, R. & Slade, P. (1989). Eating disorders and family interaction. *British Journal of Clinical Psychology, 28*, 285-286.
- Winek, J. L. (2010). *Systemic family therapy: From theory to practice*. Los Angeles, CA: Sage.